

مقابله با حداقل دستمزدها



مبارزه برای دستیابی به دستمزد عادلانه

درود به همقطاران و کارگران غیور خوزستان شماره ۱۲ بولتن کارگری هسته کارگران پیشواز سوسیالیست خوزستان، به ۷ فروردین ۱۴۰۲ انتشار می یابد. درود های گرم به کارگران و همقطاران اعتصابی: کارگران هفت تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، پتروشیمی عسلویه و پالایشگاه آبادان، ماهشهر، رانندگان تانکرهای، کامیوندارها، ذوب آهن اصفهان، کارخانه پارس، فولاد بافق، کارگران راه آهن.

مطالبات انتقالی ما کارگران برای رسیدن به دستمزد عادلانه از قرار زیر است:

۱- حق داشتن یک کار مناسب جزو ابتدایی ترین حقوق کارگران است. دولت سرمایه داری موظف است برای کلیه کسانی که کار می کنند، موظف است یک زندگی متوسط فراهم کند. بی کارسازی و یا اخراج بی رویه کارگران، حتی در چهارچوب نظام سرمایه داری بین المللی، عملی غیرقانونی است. اما در «قانون کار» دولت، دست مدیران برای اخراج و بی کارسازی کارگران باز گذاشته شده است. چنانچه دولت این مطالبه منطقی را به مورد اجرا قرار ندهد، کارگران می توانند با تشکیل کمیته های مخفی کارخانه ها، برای تدارک تحت نظارت و کنترل خود اقدامات مقتضی را انجام داده، و مطالبات مطروحه را خود راساً به اجرا گذارند. در صورتی که دولت قادر به تأمین کار برای کسانی که می خواهند کار کنند، نباشد، باید تأمین حداقل معاش و زندگی کارگران را انجام دهد. دولت باید به عوض اعطای وام به سرمایه داران، به کلیه بی کاران بیمه بی کاری پرداخت کند. اما دولت در بیش از ۴۴ سال است دهه نشان داده است که قادر به انجام این وظیفه نیست، لذا ما کارگران، باید خود این اقدامات را انجام دهیم. سازماندهی اعتصابات و ایجاد صندوق اعتصاب در هر کارخانه ما را وارد سازماندهی خود به دست خود، می کند.

۲- وظیفه دولت تأمین معاش و زندگی کارگران است. اگر دولت توان یا قصد چنین اقدامی را نیز ندارد، مطالبه کارگران این است که به جای اعطای وام به سرمایه داران، دولت وام های به خود کارگران بدهد که خود کارگران به کلیه بیکاران بیمه بیکاری پرداخت کند. ایجاد تشکل های مستقل کارگری در هر کارخانه برای نظارت بر تولید و توزیع کارخانه تنها راهی است برای سازماندهی امور کارگری در هر کارخانه. تجربه اعتصاب هفت تپه ۱۳۹۷ نشان داد که طرح این مطالبه می تواند به بالا بردن آگاهی کارگران در شناخت نظام سرمایه داری کمک رساند.

۳-۴۴ ساعت کار هفتگی در منشور قانون کار لغو باید گردد. طبق قوانین بین المللی حداکثر ۴۰ ساعت کار در هفته، و دور روز تعطیل هفتگی، و یک ماه مرخصی با حقوق در سال باید توسط دولت برای کلیه کارگران تضمین گردد. اما منشور «قانون کار» موجود حداکثر کار را ۴۴ ساعت تعیین کرده و در بسیاری از کارخانه، کارگران بیش از ۴۴ ساعت کار می کنند. این قانون کار باید فوراً لغو شود. کارگران باید، در تعطیلات رسمی و مشخصاً روز ۲۲ اردیبهشت (اول ماه می، روز کارگر)، دستمزد و مزایای کامل خود را دریافت کنند. مبارزه برای ۴۰ ساعت کار در هفته نخستین گام برای سازماندهی کارگران است. چنانچه مسولان دولت این مطالبه را بی پاسخ بگذارند، کارگران می توانند با سازمان دهی اعتصاب و اشغال کارخانه ها، خود این مطالبات را عملی کنند. عدم پذیرش این مطالبات منطقی و قابل درک به تمام کارگران، نشان خواهد داد که آنان برای تحقق این مطالبات چاره ای جز نظارت امور به دست خودشان ندارند. کارگران نباید توسط مدیران اخراج شوند. اگر دولت قادر به نگهداری و استفاده از کلیه نیروی های کار نیست، باید به جایی اخراج کارگران، کار موجود را بدون کسر حقوق، میان همه کارگران تقسیم کند. اخراج حتی یک کارگر باید مورد اعتراض دیگر کارگران قرار گیرد و کارگران با دست کشیدن جمعی از کار، و کندکاری تا هنگامی که فرد اخراجی به کار بازنگشته، تولید را با اخلال روبرو کنند. شعار **کاهش متناسب ساعات کار، همراه با پرداخت حقوق کامل به کارگران**، تنها راه اساسی مقابله با بی کاری اجباری است. قطع اخراج های کارگران توسط پیمانکاران موقوف باید باشد!

۴- تبلیغات دولت مبنی بر کمبود کار درست نیست. کار در جامعه به اندازه کافی وجود دارد. اما کاری که جیب سرمایه داران را پرتر کند، کم است. کارگران و همه زحمتکشان نیاز به خدمات، مسکن، پارک برای تفریح، کتابخانه، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، مهدکودک و نظایر آن را دارند. دولت باید بلافاصله از طریق اخذ مالیات های تصاعدی از شرکت های بزرگ و تجار ثروتمند و به کار انداختن معقول منابع عظیم نفت، دست به اجرای وسیع برنامه های عمرانی و خدماتی - اجتماعی بزند. بدین ترتیب، هم نیازهای جامعه برآورده می شود و هم کار برای مدت زمانی طولانی تر ایجاد خواهد شد. اما، دولت در عمل نشان داده که این کار را نمی کند، چون حافظ منافع همان سرمایه داران فاسد است و منافع آنان را نمایندگی می کند. از این رو تدارک برای سلب مسئولیت از دولت و مسؤلان در هر کارخانه ای باید در دستور کار کارگران قرار گیرد.

۵- حداقل دستمزد متناسب با مخارج باید تعیین شود. در حال حاضر، حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار ۵ تا ۸ میلیون تومان است. در صورتی که مخارج زندگی ما بسیار بالاتر از این، نزدیک به ۲۵ میلیون است. دولت هرگز قادر به پاسخ گویی به چنین مطالبه ای نخواهد بود، لذا ما کارگران باید از طریق سازماندهی اعتصاب سراسری خود امور را بدست خودمان بگیریم و مطالبه خود را مورد اجرا قرار دهیم.

۶- کلیه کارگران باید از پرداخت مالیات معاف گردند. مالیات غیر مستقیم که از مواد اولیه غذایی اخذ می شود، باید فوراً لغو گردد. باید نظام مالیاتی درجه بندی شده ای که با افزایش درآمد، به صورت تصاعدی افزایش یابد، اعمال گردد. اگر دولت سرمایه داری در این راه گام بر ندارد، خود باید اعتراضات و اعتصابات کارگری را سازماندهی کنیم. کارگران پیشتر با طرح این مطالبات هم موجب افزایش سطح آگاهی سایر کارگران می شوند، هم از طریق سازماندهی اعتصابات و تشکیل کمیته های مخفی کارگری، اقدامات درازمدت را سازمان می دهند.

۷- مطالبات صنفی زیر باید اعمال گردند:

- قراردادهای موقت و روزمزدی بدون بیمه و امنیت لغو گردند! روزمزدی و پیمانکاری واسطه گری برچیده شود!
- حقوق های عقب افتاد و پاداش ها باید برابر باشند!
- تمام کارگران باید قراردادی و امنیت شغلی داشته باشند!
- بازنشنگان باید از حقوق برابر و منطبق با تورم همسان با همه کارگران داشته باشند!